

دسته‌بندی روایات تاریخی در مجمع‌البیان

مجید معارف^۱

سیده عاطفه قرشی^۲، محمدهادی امین ناجی^۳، علی‌رضا دل‌افکار^۴

دریافت: ۱۳۹۸/۶/۲۳، پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۹، صفحه ۸۹ تا ۱۰۰

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، گونه‌شناسی و دسته‌بندی روایات با کارکرد تاریخی در تفسیر مجمع‌البیان است. الگوی مورد استفاده در این مقاله، گونه‌شناسی مبتنی بر روش است. گونه‌شناسی مبتنی بر روش در حوزه تفسیر قرآن الگویی است که با توجه به سه نوع رویکرد رابطه‌نگرانه، کارکردگرایانه و ساختارگرایانه دانشمندان علوم حدیث به گونه‌بندی و تحلیل گونه‌ها می‌پردازد. در مطالعه حاضر این نوع از گونه‌شناسی رویکردی توصیفی - تحلیلی به سنخ‌شناسی کارکردگرا در روایات دارد. بر همین اساس سه دسته روایت - شامل روایات ترتیب نزول سوره‌ها، روایات اسباب نزول و حاکی از فضای صدور سوره‌ها، و روایات حکایت‌کننده جزئیات قصص و داستان‌های انبیاء و اقوام پیشین - تحت عنوان کارکرد تاریخی روایات گونه‌بندی و تحلیل می‌شوند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد روایات ترتیب نزول و بخش عمده روایات اسباب نزول حاوی اطلاعاتی است از وقایع تاریخی یا وقایعی که در شکل‌گیری تاریخ بعد از اسلام اهمیت داشته‌اند. همچنین، روایات حکایت‌کننده جزئیات قصص، شامل ۳۰۸ روایت است که با توجه به کارکرد تاریخی آن‌ها در ۹ نوع مختلف قابل دسته‌بندی است.

واژگان کلیدی: گونه‌شناسی، روایات تفسیری، کارکرد تاریخی، تفسیر مجمع‌البیان.

maaref@ut.ac.ir

۱. استاد دانشکده الهیات دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، مرکز تهران جنوب، تهران، ایران.

۳. دانشیار، دانشگاه پیام نور، مرکز تهران جنوب، تهران، ایران.

۴. دانشیار، دانشگاه پیام نور، مرکز تهران جنوب، تهران، ایران.

درآمد

روایات رسیده از پیامبر (ص) و ائمه (ع) در طول دوره‌های مختلف تاریخ اسلام کارکردهای متفاوتی داشته، و از جایگاه متفاوتی در بین مذاهب مختلف اسلامی برخوردار بوده است. یکی از آثار تفسیری قدیم که توجه ویژه‌ای به سنت داشته، تفسیر *مجمع البیان* از طبرسی (۴۶۸-۵۴۸ق) است. یکی از ویژگی‌های این تفسیر، استفاده بسیار گسترده از روایات در حیطه‌های مختلف جهت تبیین و تفسیر آیات قرآن است (برای مقایسه کاربرد روایات در این تفسیر با دیگر تفاسیر تألیف‌شده در همان دوره، نک: هاشمی، ۱۳۸۱ش، ۱۷).

روایات مندرج در تفسیر *مجمع البیان* در دوران معاصر از جهات مختلفی مطالعه شده‌اند. از جمله این مطالعات می‌توان کوشش صالحی نجف‌آبادی برای بازشناسی روایاتی از *مجمع البیان* را یاد که در آن‌ها اشتباه نسخه‌نگاران سبب شده است سخن امامان شیعه (ع) با غیر ایشان درآمیزد (نک: نجف‌آبادی، ۱۳۸۱ش، سراسر مقاله). مطالعه آسیب‌شناسانه مشابهی را مهدی اکبرنژاد و قدرت ذوالفقاری‌فر برای شناسایی موارد نقل به معنا در روایات *مجمع البیان* دنبال کرده‌اند (نک: اکبرنژاد، ۱۳۹۴ش، سراسر مقاله). مطالعه شایان ذکر دیگر، کوشش فصیحی است برای بازشناسی نحوه کاربرد روایات اسباب نزول در این تفسیر (فصیحی، ۱۳۷۴ش، سراسر اثر). در پایان باید از مطالعه محمدی انویق و دولتی یاد کرد که در مطالعه‌ای تطبیقی روایات تفسیری *مجمع البیان* در ذیل سوره یوسف (ع) را در منابع شیعیان و عامه بازجسته، و گرایش مؤلف به وحدت و تقریب مذاهب را نتیجه گرفته‌اند (محمدی، ۱۳۹۲ش، سراسر مقاله).

طرح مسئله

از جمله روایات تفسیری مندرج در *مجمع البیان* روایات تاریخی است؛ روایاتی که با نظر در آن‌ها مسائلی مانند زمان، مکان، مخاطب، شأن نزول، سبب نزول، و روابط آیات و سوره‌ها را می‌توان دریافت. از این قبیل، می‌توان روایاتی را مثال آورد که مسائلی مانند زمان یا مکان خاص نزول آیتی از قرآن یا مخاطب آن‌ها را بازگو می‌کنند یا اطلاعاتی از قبیل قوانین و معاهدات و وقایع تاریخی را که برای فهم بهتر آیات لازم است بازمی‌نمایانند (راد، ۱۳۹۳ش، ۱۹).

با توجه به تعریف فوق، روایاتی که اطلاعاتی نظیر زمان‌های مشخص تاریخی، مکان‌ها و محل‌های شناخته شده و جغرافیای خاص، همچنین اطلاعاتی از قبیل مردم‌شناسی تاریخی و مسائل اجتماعی مربوط به زمان نزول قرآن و قبل و بعد از آن را در اختیار می‌گذارند، روایات تاریخی به‌شمار می‌روند. همچنین اند روایات مربوط به ترتیب نزول سوره‌ها و بیان‌کنندهٔ مکی و مدنی بودن سوره‌ها، روایات بیان‌کنندهٔ فضای نزول قرآن و سوره‌ها و اسباب نزول و نیز روایات حکایت‌کنندهٔ جزئیات قصص و داستان‌های پیامبران (ع) و سرگذشت اقوام، و هر چه از این دست. این نوع روایات تفسیری در مجمع‌البیان حجم قابل‌توجهی را به خود اختصاص داده‌اند. با این حال، تا کنون تلاشی برای مطالعهٔ آن‌ها صورت نگرفته است. مطالعهٔ کنونی گامی آغازین در این مسیر است. می‌خواهیم در آن با کوشش برای دسته‌بندی روایات تاریخی مندرج در مجمع‌البیان بر اساس کارکرد آن‌ها دریابیم که اولاً، روایات تاریخی در این اثر چه تفاوتی از حیث کارکرد تاریخی با همدیگر دارند؛ ثانیاً، آیا مؤلف اثر خود به کارکرد تاریخی این روایت‌ها توجه داشته، یا از آنها برای تأمین اهداف دیگری نظیر تبیین و تشریح بهره گرفته است. ثالثاً، مفسر در چه زمینه‌هایی از این روایات استفاده تفسیری کرده است.

۱. روایات ترتیب نزول

گونه‌ای از روایات با کارکرد تاریخ‌شناسی، روایات ترتیب نزول است. روایات ترتیب نزول، روایاتی هستند که زمان نزول سوره‌های قرآن را با ترتیب زمانی و تقدم و تأخر آن‌ها از نظر تاریخ نزولشان گزارش می‌کنند. این روایات که تقریباً متن واحدی دارند، در ترسیم ساختار و پیکره‌بندی اولویت نزول سوره‌های قرآن از لحاظ تقدم و تاخر نزول و صدور، نقش اصلی را ایفا می‌کنند (نکونام، ۱۳۸۰ش، ۱۲۸). مشخص شدن فهرست دقیق سوره‌های قرآن بر اساس ترتیب زمانی صدور آن‌ها، منجر به بازسازی فضای تاریخی زمان نزول آیات می‌شود و در نتیجه فهم و تفسیر دقیق و صحیح آیات قرآن را ممکن می‌سازد.

الف) اهمیت کشف ترتیب نزول از نگاه طبرسی

طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان این روایات را ذیل چندین سوره نقل کرده است. از آنجاکه روایات ترتیب نزول حکایت از تقدم و تأخر زمان نزول سوره‌ها در هنگام نازل شدن قرآن دارد،

استفاده مفسر از این روایات را می‌توان حاکی از اعتقاد مفسر به ارتباط تفسیر قرآن با فضای تاریخی و فرهنگی نزول دانست. طبرسی خود می‌گوید که شناخت ترتیب نزول سوره‌ها علمی بسیار درخشنده است و می‌توان با بهره‌گیری از نورانیت و درخشندگی این علم از تاریکی‌ها به روشنی گروید (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۱۰/۶۱۴).

برای نمونه، مفسر ذیل سوره انسان برای آشکار کردن فضای نزول سوره و ارائه یک تفسیر صحیح از آن، روایات ترتیب نزول سوره‌ها را با ذکر ادله مدنی بودن سوره انسان می‌آورد. وی تحت عنوان «النزول» سه روایت ترتیب نزول ذکر می‌کند و پس از ذکر آن‌ها می‌گوید که با وجود گستردگی و طول شدن کلام، بحث در زمینه از بین بردن شبهه مخالفان مدنی بودن سوره و ابطال ادعای آنان مبنی بر عدم اختصاص سبب نزول این آیه در شأن اهل بیت پیامبر (ص) ذکر این روایات ضروری است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۱۰/۶۱۴).

ب) روایات ذکرشده

طبرسی در تفسیر مجمع البیان وقتی می‌خواهد از نزول سوره دهر در حق اهل بیت (ع) دفاع کند متعرض بحث ترتیب نزول آیات می‌شود. وی در مجموع، چهار روایت ترتیب نزول نقل کرده، که اولین آن‌ها طولانی‌تر است. روایت اولی که از ابن عباس نقل شده و گاه به علی (ع) نیز منتسب گردیده، کامل‌ترین روایت ترتیب نزول است (نکونام، ۱۳۸۰ش، ۳۰۳-۳۰۷). طبرسی آن را به وساطت حسکانی عالم سده ۵ق ترتیب نزول روایت می‌کند (نک: طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۱۰/۶۱۲). این روایت فهرستی از نام همه سوره‌ها به جز حمد را دربر می‌گیرد. برپایه آن، ابن عباس اولین سوره نازل شده در مکه را علق ذکر می‌کند، و سپس ۸۵ سوره دیگر را به عنوان سوره‌های مکی، و ۲۸ سوره را هم در شمار سوره‌های مدنی برمی‌شمارد. این‌گونه، جمعاً در روایت مذکور ترتیب نزول ۱۱۳ سوره قرآن بیان می‌شود.

طبرسی در ادامه همان بحث خود روایات دیگری را هم بسیار مختصر نقل کرده، و سند آن‌ها را نیز هم‌چون متن آن به اختصار آورده است. مؤلف تصریح می‌کند که در کتاب الايضاح تألیف عالمی ناشناخته که از وی با تعبیر «استاد احمد زاهد» یاد می‌کند، پس از نقل روایت فوق دو تحریر متفاوت از آن هم درج، و به ابن عباس منتسب شده‌اند. طبرسی در نقل یک تحریر به سبب تشابه تام روایت آن با متن پیش‌گفته پس از یادکرد اولین جملات از روی متن عبور، و روی

مورد اختلافی و هدف بحث خود تمرکز می‌کند: این که در این روایت برخلاف نقل پیشین، اولین سوره مدنی سوره مطفین (و نه بقره) شناسانده می‌شود و در هر حال، در این روایت هم سوره دهر در شمار سوره‌های مدنی یاد شده است (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ۱۰/۶۱۴).

طبرسی در پایان روایتی دیگر نیز به نقل از علی (ع) می‌آورد که باز هم از کتاب *الایضاح* برگرفته شده است. برپایه آن، علی (ع) فرمود روزی از پیامبر اکرم (ص) ثواب قرائت قرآن را پرسیدم و ایشان با یادکرد تک‌تک سوره‌ها به ترتیب نزول، پاداش خواندن هر یک را برشماردند... (همان‌جا).

پ) تحلیل روایات

همان‌گونه که در مورد روایات ترتیب نزول مشهود است، تنها روایت اول در تفسیر *مجمع‌البیان* به تفصیل و به طور کامل هم از لحاظ سند و هم متن، نقل شده است. گویی سه روایت بعدی را مفسر برای بیان طرق مختلف سندی در روایات ترتیب نزول و نشان دادن تفاوت متنی در این روایات، ذکر می‌کند.

مفسر در ابتدای نقل این روایات آن‌ها را ذیل عنوان «معرفة ترتیب السور» می‌گنجاند. عنوان‌بندی روایت در ذکر روایات ترتیب نزول، نشان‌دهنده نوعی دسته‌بندی و سنخ‌شناسی توسط مفسر است. مفسر با تعیین عناوین روایات به نوعی گونه‌شناسی روایات پرداخته است. این شیوه را می‌توان هم‌چون یکی از مشخصه‌ها و ممیزات این تفسیر یاد کرد.

چنان که دیدیم، هدف طبرسی از توجه به روایات ترتیب نزول، اثبات نزول سوره دهر در مدینه و دفاع از امکان نزول آن در حق اهل بیت (ع) بود. این که او روایات ترتیب نزول را درخشنده و روشن‌گر می‌خواند (نک: سطور پیشین)، به همین سبب است که می‌تواند هم‌چون دلیلی قاطع در رد سخن کسانی باشند که از نزول سوره دهر در مکه و در پی واقعه‌ای دیگر می‌گویند.

۲. روایات اسباب نزول

گونه دیگر روایات تاریخی روایات اسباب نزول اند؛ روایاتی که رخداد‌های مقارن نزول آیات و سوره‌ها را که موجب نزول آن‌ها شده‌اند گزارش می‌کنند (نکونام، ۱۳۸۰ ش، ۱۴۷)؛ رخداد‌هایی از قبیل حوادث، پیشامدها، یا طرح سؤالاتی که موجب نزول آیه یا آیاتی از قرآن کریم شده است

(شاکر، ۱۳۸۸ش، ۱۹۲).

الف) توضیح چند مفهوم بنیادین

علاوه بر تعریف فوق، نظریه پردازی‌های جدید در حوزه اسباب نزول باعث شکل‌گیری دو اصطلاح جدید فضای نزول و جوّ نزول شده است. (جوادی آملی، ۱۳۷۸ش، ۲۳۵-۲۳۶) اگر شأن یا سبب نزول را حوادث، مناسبت‌ها و عواملی بدانیم که در عصر پیامبر (ص) در محدوده حجاز یا خارج از آن رخ داده، و زمینه‌ساز نزول یک یا چند آیه از آیات قرآن بوده‌اند، فضای نزول را می‌توان اوضاع عمومی، اوصاف مردمی، رخدادها و شرایط ویژه‌ای دانست که در مدت نزول یک سوره در حجاز و خارج از آن حاکم بوده است (شاکر، ۱۳۸۸ش، ۱۹۴-۱۹۵). جوّ نزول نیز، مربوط به سراسر قرآن است و مقصود از آن، بستر زمانی و مکانی نزول قرآن در سراسر سال‌های پیامبری پیامبر اکرم (ص) است (شاکر، ۱۳۸۸ش، ۱۹۵-۱۹۶).

در مورد بحث «فضای نزول» سوره‌ها، می‌توان به توجه مفسر به مکی و مدنی بودن سوره‌ها در ابتدای هر سوره اشاره کرد که خود، نشان از توجه به فضای نزول سوره در عصر نزول دارد. همچنین در صدر برخی سوره‌ها، تعدادی روایات فضایل سوره ذکر شده است که ترسیم‌کننده فضای نزول سوره‌اند. اسباب نزول آیات نیز به فراوانی مورد توجه مفسر بوده، و مؤلف ۲۹۸ روایت است از این قبیل نقل کرده است. معمولاً مؤلف در بحث از آیات، ذیل عنوان «النزول»، «القصة»، یا «النزول و القصة» به این امر می‌پردازد. در موارد معدودی هم ضمن بحث از معنای واژه‌ها متعرض سبب نزول شده است.

ب) موضوع روایات سبب نزول

اکثریت قریب به اتفاق روایات اسباب نزول مذکور در مجمع البیان حکایت‌کننده مسائل اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی شبه‌جزیره عربستان در عصر نزول است. در این روایات روابط و قوانین فی‌مابین ملت‌ها و اقوام ساکن در شبه‌جزیره عربستان - از جمله قوانین حقوقی (مثل ارث، قصاص، ربا، دین، قرض، امور دام‌ها، آب و زراعت) و قوانین اجتماعی (مثل روابط بین همسایگان، مسائل مربوط به منازعات از جمله جنگ‌های قبیله‌ای، مشاجرات بین فردی و غزوات و سریه‌هایی که با مسلمانان رخ داده بود) - و نام اشخاصی که در آن زمان در تعیین برخی مسائل مهم و اتفاقات تاریخی نقش داشته‌اند مطرح شده است.

در توضیح بیشتر این مطلب باید اذعان داشت که نام بیش از بیست رویداد و واقعه تاریخی مهم به صراحت در این روایات یاد شده است که درباره برخی از آن‌ها، تاریخ وقوع واقعه از جمله سال، فصل، ماه، روز و در برخی موارد ساعت یا لحظه وقوع هم ذکر شده است. برای مثال می‌توان به ذکر تاریخ هجرت مسلمانان به حبشه، تاریخ جنگ‌های روم و تبوک، تاریخ واقعه بدر معونه، و زمان نخستین نماز خواندن علی (ع) را یاد کرد.

همچنین نام تعداد ۴۱۲ نفر از مسلمانان و غیرمسلمانان، مهاجران و انصار، حکام و سلاطین و پادشاهان بلاد مختلف، ملت‌ها و اقوام گذشته، مشرکان و منافقان و غیره در این روایات ذکر شده است. نام ۸۰ قبیله و قوم مختلف نیز به همراه نام بیش از ۶۰ منطقه موجود در شبه‌جزیره عربستان و اطراف آن در روایات اسباب نزول تفسیر مجمع‌البیان دیده می‌شود.

در ۲۴۶ روایت از ۲۹۸ روایت سبب نزول، موارد تاریخی از قبیل وقایع تاریخی مهم یا اتفاقاتی که منجر به وقایع مهم تاریخی شده است، جنگ‌ها و سریه‌ها، عقد قراردادهای پیمان‌نامه‌ها، اشخاص، شهرها و بلاد و مناطق مختلف آن زمان، قبایل و اهالی شهرها و کشورها و مواردی از این نوع که مرتبط با تاریخ نزول قرآن و تاریخ اسلام است، ذکر و عنوان شده است. به بیان دیگر، نزدیک به نود درصد روایات طرح شده در تفسیر مجمع‌البیان حاوی اطلاعاتی از وقایع تاریخی یا وقایعی است که در شکل‌گیری تاریخ بعد از اسلام، نقش مهمی داشته‌اند.

برای نمونه، روایات مربوط به آیات ۱-۵ سورة حشر مسائل مربوط به بیرون کردن یهودیان بنی‌نضیر از مدینه و اشخاص و مکان‌ها و اتفاقات تاریخی که در آن باره رخ داده است را بازگو می‌کند. به همین ترتیب، روایات سبب نزولی که درباره آیات ۱۰-۱۱ سورة ممتحنه ذکر شده است، یکی از مفاد پیمان حدیبیه و شرح ماجرای مستثنا شدن زنان از آن مفاد را دربر دارد. همچنین، ماجرای هجرت پیامبر (ص) و اتفاقاتی که باعث هجرت شد، در روایاتی که ذیل آیه ۸۹ سورة بقره ذکر شده، آمده است.

پ) نقل روایات سبب نزول بدون اسناد

شماری از روایات سبب نزول در مجمع‌البیان فاقد اسناد اند. از جمله، طبرسی یک روایت ذیل آیه «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ» (بقره/ ۲۲۰) نقل کرده است که سبب نزول آیه را بیان می‌کند؛ بدین مضمون که ابن عباس می‌گوید: وقتی آیات «لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ» (اسرا/ ۳۴) و

«إِنَّ الَّذِينَ يَكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا» (نسا/ ۱۰) نازل شد، کسانی که نزدشان یتیمی می‌زیست رفتند و آب و خوراک آن‌ها را از آب و خوراک خویش جدا کردند و در زحمت زیادی قرار گرفتند. از این رو، نزد پیامبر (ص) آمده، راه چاره‌ای خواستند؛ و در این وقت این آیه نازل شد. طبرسی این روایت را ضمن تفسیر آیه «یسألونک عن الیتامی» تنها با ذکر نام ابن عباس آورده است و سندی برای روایت نقل نمی‌کند. وی در پایان ذکر روایت، با عبارت «و هو المروی فی اخبارنا» اذعان نموده که روایت از طریق شیعه نیز نقل شده است اما اشاره‌ای به منبع حدیث ندارد (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۲/ ۵۵۸). گفتنی است روایت مذکور در کتاب *اسباب النزول* واحدی نیشابوری با سند کامل نقل شده است. واحدی آن را از احمد زاهد صاحب کتاب *الایضاح* - که پیش از این یاد شد - می‌آورد (واحدی، ۱۴۱۱ش، ۷۴).

۳. حکایت انبیاء و اقوام پیشین

آخرین دسته از روایات تاریخی، روایات حکایت‌کننده جزئیات قصص و داستان‌های انبیاء و اقوام پیشین است. در میان روایاتی که ذیل آیات قصص و آیات مربوط به انبیاء و اقوام پیشین آمده‌اند، برخی که تنها اشتراک موضوعی با آیه دارند کارکرد تبیینی نداشته، در مقام ارائه توضیحات فرعی و اضافه بر آگاهی‌های اصلی آیه بیان شده‌اند. این‌گونه روایات از لحاظ کارکرد، یک نوع شناخت تاریخی فراروی مخاطب قرار می‌دهند؛ که البته با توجه به این که یک متن تاریخی تنها در بستر زمانی تاریخ وقوع و نزول آن متن تفسیرپذیر است، این‌گونه روایات با ارائه اطلاعات تاریخی صحیح، باعث ادراک درست و دقیق آیات قرآن در بافت زمانی خود می‌شوند. حجم زیادی از متون این داستان‌ها و منقولات، بدون منبع یا به نقل از صحابه و مفسران است؛ اما در این میان ۳۰۸ روایت به پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) مستند شده است.

الف) دسته‌بندی

این روایات را می‌توان تحت عناوینی یازده گانه دسته بندی کرد: بیان جزئیات داستان پیامبران (۱۱۵ روایت)، بیان جزئیات داستان اقوام (۳۵ روایت)، بیان جزئیات وقایع تاریخی (۱۰ روایت)، نقل تفصیلی داستان‌هایی که در قرآن به صورت اشاره و مختصر آمده است (۹ روایت)، بیان نتایج داستان‌ها (۸ روایت)، بیان علت وقوع اتفاقات داستان‌ها (۹ روایت)، تحلیل رفتار افراد درون داستان‌ها (۹ روایت)، اشاره به نکات آموزشی و تربیتی داستان‌ها (۶ روایت)، انطباق داستان‌های

گذشتگان بر شرایط کنونی و استفاده عصری از روایات داستانی (۱۴ روایت)، بیان معانی تفسیری آیات قصص در روایات (۴۸ روایت)، و برداشت فراتاریخی و کلی از آیات قصص (۱۳ روایت). در میان این دسته‌ها، تنها دو مورد اخیر یعنی بیان معانی تفسیری آیات قصص در روایات و برداشت فرا تاریخی از آیات قصص کارکردهایی غیرتاریخی دارند. به بیان دیگر، از میان ۳۰۸ روایت حکایت‌کننده جزئیات قصص و داستان‌های اقوام پیشین و گذشتگان ۲۵۱ روایت با کارکرد تاریخی قابل مشاهده و تفکیک است و تنها ۵۷ روایت باقی‌مانده کارکرد تبیینی - تفسیری و فراتاریخی دارند.

(ب) کارکرد داستانی روایات

روایات حکایت‌کننده جزئیات قصص و داستان‌های انبیاء (ع) و اقوام پیشین در تفسیر مجمع‌البیان نیز به فراوانی یافت می‌شود و مورد استفاده مفسر در تفسیر آیات قرآن بوده است. اکثریت این روایات، در بخش «المعنی» در قسمت توضیحات تفسیری نقل شده است؛ اما تعداد فراوانی نیز که شامل داستان‌های مفصل‌تر و طولانی‌تری بوده‌اند، ذیل عنوان اختصاصی قصه آورده شده‌اند؛ که با عبارات «القصه» و یا «قصه فلان»، در مجموع ۲۲ عنوان آمده است. در این میان، ۱۶ مورد عبارت «القصه» به کار رفته، و شش مورد از تعبیر قصه فلانی استفاده شده است.

مثلاً، در بحث از آیات ۵۹-۶۴ سوره اعراف طبرسی با عنوان‌بندی داستان نوح (ع) به نوعی به گونه‌شناسی روایات پرداخته است؛ سند روایت در تفسیر مجمع‌البیان ذکر نشده است؛ اما شیخ طبرسی با اشاره به اسناد ابن بابویه روایت را از کتاب النبوة ایشان نقل کرده است. این روایت به صورت مرفوع از امام صادق نقل شده است (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ۴/۶۷۰).

در روایت دیگری، تحت عنوان «قصه هود»، ذیل آیات شصت و پنج تا هفتاد و دو اعراف، داستان قوم عاد نقل شده است؛ همچنین ذیل همان آیه در شرح مفصل‌تر عذابی که بر قوم عاد نازل شد، روایتی ذکر شده است که ابو حمزه ثمالی با یک واسطه از امام باقر نقل کرده است که خزانه‌ای از باد از آن خداوند است که بر آن قفل نهاده شده است. اگر در آن باز شود، زمین و آسمان را از بنیان می‌کند. برای عذاب قوم عاد به اندازه یک انگشتری، از خزانه باد گشوده شد (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ۴/۶۷۶).

در این روایت در مورد عذاب قوم هود و مقدار آن سخن گفته شده است که با توجه به مفهوم

آیه در مورد نزول عذاب بر این قوم، بیان جزئیات این عذاب و اندازه و مقدار و جنس غذایی که بر آنان وارد شده است و توصیف شدت و سختی آن در روایت فوق، در تبیین جزئیات آیه نقش ایفا می‌کند.

پ) توصیف واقعیات تاریخی با هدف پندآموزی

از ویژگی‌های مهم روایات مرتبط با قصص قرآن بیان جزئیات داستان‌های پیامبران (ع) و جزئیات روایات مربوط به اقوام گذشته، وقایع تاریخی، و ذکر علت‌ها یا نتایج رفتار ایشان است. این موارد را در روایات مربوط به قصص قرآن می‌توان هم‌چون کارکرد تاریخی این دسته از روایات تفسیری یاد کرد.

برای نمونه می‌توان به روایتی اشاره کرد که در ذیل آیه ۹۱ سوره اعراف به نقل از امام صادق (ع) ذکر شده است. در روایت آمده است عذاب قوم شعیب (ع) چنین بود که صیحه‌ای به گوش آن‌ها رسید و همگی مردند (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ۴/۶۹۳).

لذا در مورد روایات قصص می‌توان گفت که با بیان جزئیات داستان‌های پیامبران (ع) و اقوام که نزدیک به پنجاه درصد از کل روایات قصص را دربر می‌گیرد، ویژگی تاریخی بودن نظیر ذکر نام اشخاص، نام مکان‌ها و شهرها و ... در آن‌ها قابل مشاهده است. همچنین با توجه به این‌که روایات حکایت‌کننده قصص، در بر دارنده مواردی از قبیل بیان نتایج داستان‌ها، تحلیل رفتار شخصیت‌های داستان، بیان دلایل و علت وقوع اتفاقات داستان و نیز نکات آموزشی و تربیتی اند معرفت‌بخشی یکی از ویژگی‌های این گونه از روایات است که این روایات را شایسته برشماری در حیطه روایات تفسیری می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۷۸ ش، ۱/۲۹۸؛ بستانی، ۱۳۷۱ ش، ۲/۱۱).

نتیجه

مطالعه حاضر با هدف گونه‌شناسی و بررسی نقش تفسیری روایات با کارکرد تاریخ‌شناسی، با تکیه بر گونه‌شناسی مبتنی بر روش، در تفسیر مجمع‌البیان صورت گرفت. بدین منظور از طریق گونه‌شناسی مبتنی بر روش، که رویکردی توصیفی تحلیلی به سنخ‌شناسی کارکرد روایات است، سه دسته از روایات تفسیر مجمع‌البیان که شامل روایات ترتیب نزول، اسباب نزول و روایات حکایت‌کننده قصص و داستان‌های انبیاء و اقوام پیشین بودند و کارکرد تاریخی داشتند، مورد

تفکیک و بررسی قرار گرفتند.

اکنون بر پایه این دسته‌بندی در خصوص این سؤال که آیا طبرسی خود به دسته‌بندی و تفکیک روایات تاریخی پرداخته است باید گفت وی بیش از ۸۰ درصد روایات تاریخی را دسته‌بندی و تفکیک کرده، و تحت عناوینی نظیر النزول، القصة، یا قصة فلان قرار داده است.

در سخن از کارکردهای روایات تاریخی در تفسیر مجمع‌البیان هم پس از این که تعداد ۲۹۸ روایت سبب نزول و ۳۰۸ روایت قصص را بررسی کردیم دریافتیم ۴۸۹ روایت حکایت‌کننده مسائلی از قبیل زمان‌های معین تاریخی، مکان‌ها و شهرها و مناطق جغرافیایی خاص و مباحثی مثل قوانین اجتماعی و اطلاعات مردم شناسی، و همچنین مطالبی نظیر شناسایی جزئیات مسائل مربوط به اقوام و قبایل پیشین و مسائل و اتفاقات جاری در آن زمان اند. ۱۱۵ روایت دیگر حاوی مطالب تفسیری و مباحث تبیینی برای توضیح متن آیات و برداشت‌های فراتاریخی در جهت تعلیم و تربیت اسلامی بودند. به بیان دیگر، کارکرد بیش از ۹۰ درصد این روایات تاریخی بود و ده درصد باقیمانده، کارکردهای تبیینی و تفسیری داشتند.

بنابراین، در پاسخ به سؤال آخر این مطالعه در مورد نقش روایات تاریخی در حیطة تفسیر آیات قرآن نیز باید گفت روایاتی که به بیان معانی تفسیری آیات قرآن یا تبیین واژگانی و معناشناسی لغات و اصطلاحات قرآنی پرداخته‌اند، در راستای تفسیر و تبیین معانی آیات قرآن نقش دارند. همچنین در مورد کارکرد تاریخی روایات تفسیری مجمع‌البیان باید به این مطلب تصریح شود که بیش‌ترین آمار روایات با کارکرد اختصاصی تاریخ‌شناسی، شامل روایات حکایت‌کننده قصص و داستان‌های انبیاء و اقوام پیشین، با تعداد ۲۵۱ روایت بود. روایات اسباب نزول با آمار ۲۴۷ روایت با کارکرد اختصاصی تبیین تاریخی در رده بعد قرار گرفت. روایات ترتیب نزول هم که ۴ روایت بیش نبودند و همه در ذیل سوره انسان ذکر شده بودند، آخرین دسته را تشکیل می‌دهند.

منابع

علاوه بر قرآن کریم؛

- ۱- اکبرنژاد، مهدی و ذوالفقاری فر، قدرت (۱۳۹۴ش)، «نقل به معنای احادیث در مجمع البیان»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۲۶.
- ۲- بستانی، محمود (۱۳۷۱ش)، پژوهشی در جلوه‌های هنری داستان‌های قرآن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۳- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸ش)، تسنیم، قم، اسراء.
- ۴- راد، علی (۱۳۹۳)، «گونه‌شناسی روایات تفسیری؛ از نظریه تا تطبیق»، تفسیر اهل بیت (ع)، سال دوم، شماره ۱.
- ۵- صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله (۱۳۸۱ش)، «نقدی سندشناسانه بر احادیث مجمع البیان»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۲۹.
- ۶- طبرسی فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- ۷- فصیحی، علی (۱۳۷۴ش)، «اسباب نزول در تفسیر مجمع البیان»، پژوهش‌های قرآنی، سال ۱، شماره ۱.
- ۸- محمدی انویق، مجتبی و دولتی، کریم «شناخت رویکرد تقریبی طبرسی در مجمع البیان»، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، شماره ۳۴.
- ۹- نکونام جعفر (۱۳۸۰ش)، درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن، تهران، نشر هستی نما.
- ۱۰- واحدی نیشابوری علی بن احمد (۱۴۱۱ق)، اسباب نزول القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ۱۱- هاشمی، حسین (۱۳۸۱)، «روش تفسیری مجمع البیان»، پژوهش‌های قرآنی، سال شانزدهم، شماره ۲۹-۳۰.